

Islamic Knowledge and Insight

معرفت و بصیرت اسلامی

Examining Verse 34 of Surah An-Nisa in Analyzing the Structure of Divorce Factors with a Foresight Approach

بررسی آیه ۳۴ سوره نساء در تحلیل ساختار عوامل طلاق با رویکرد آینده پژوهی

1. MohammadMehdi Soltani: PhD Student, Department of Islamic Studies, Faculty of Islamic Studies and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran
2. Zahra RezazadehAsgari*: Assistant Professor, Department of Ethics and Islamic Education, Faculty of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran. (Email: Zasgari@ut.ac.ir)
3. Hossein Hashemnejad: Assistant Professor, Department of Quran and Islamic Texts, Faculty of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran
4. Seyyed Alireza SadrHosseini: Assistant Professor, Department of Islamic Ethics, Faculty of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran

۱. محمد مهدی سلطانی: دانشجوی دکتری، گروه مدرسی معارف اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. زهرا رضازاده عسگری*: استادیار، گروه اخلاق و معارف اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (پست الکترونیک: Zasgari@ut.ac.ir)
۳. حسین هاشم نژاد: استادیار، گروه قرآن و متون اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۴. سید علیرضا صدرحسینی: استادیار، گروه اخلاق اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Abstract

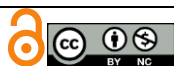
Numerous verses in the Holy Qur'an address the institution of family and the factors that strengthen it. However, in contemporary times, individuals' lifestyles are less aligned with the rulings and directives of the Qur'an. Consequently, the country is witnessing an approximately 2% annual increase in the divorce rate, which serves as a warning signal for the future, bringing about irreparable social, cultural, and economic consequences. Adhering precisely to the rulings and directives of the Shari'ah can significantly reduce the divorce rate and encourage couples to reconcile and return to married life. Proper planning to control and mitigate this escalating trend requires an accurate understanding of divorce factors and a precise comprehension of the extent of their influence and susceptibility in the future, which plays a crucial role in achieving this objective. Accordingly, the present study aims to offer Qur'anic solutions for reducing divorce through a foresight approach using a documentary-survey-analytical method. Initially, efforts are made to identify the key drivers and critical factors influencing divorce in the future. Based on the results of variable dispersion in the influence-impact matrix of the MICMAC software, the factor of "women's employment and financial independence" is identified as the most fundamental and influential factor in future divorce trends. Ultimately, addressing this issue necessitates policy-making and the provision of Qur'anic solutions, with an emphasis on Verse 34 of Surah An-Nisa.

Keywords: Verse 34 of Surah An-Nisa, male guardianship (qawwamah), divorce, women's financial independence, foresight studies.

چکیده

در قرآن کریم آیات بسیاری به موضوع خانواده و عوامل تحکیم آن اشاره کرده است، اما از آنجا که در عصر حاضر، سبک زندگی افراد، انطباق کمتری با احکام و دستورات قرآن دارد، شاهد افزایش سالانه حدود ۲ درصدی نرخ رشد طلاق، در کشور هستیم که میتواند زنگ خطر و هشدار برای آینده کشور و پیامدهای جبران ناپذیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی را به دنبال داشته باشد. لذا رعایت دقیق احکام و دستورات شارع، می تواند به میزان قابل توجهی موجب کاهش آمار طلاق و رجوع مجدد زوجین به زندگی مشترک شود. برنامه ریزی مناسب جهت کنترل و کاهش این روند روزافزون، نیازمند شناخت دقیق عوامل طلاق و درک صحیح مقدار تاثیر گذاری و اثر پذیری هر کدام از عوامل در آینده، نقش بسیار مهم و بسزایی در دستیابی به این مهم، خواهد داشت. در این راستا، در پژوهش حاضر با هدف ارائه راهکارهای قرآنی در کاهش پدیده طلاق با رویکرد آینده نگاری به روش اسنادی-پیمایشی-تحلیلی، در ابتدا سعی بر آن است که پیشرانها و عوامل کلیدی موثر بر طلاق در آینده شناسایی شوند. بر همین اساس، نتایج حاصل از پراکندگی متغیرها در محور تاثیر گذاری و تاثیر پذیری عوامل در نرم افزار میک مک، عامل «اشتغال و استقلال مالی زنان» را، کلیدی ترین و موثرترین عامل طلاق در آینده شناخته؛ و در انتها، برای درمان این مشکل نیازمند سیاست گذاری و ارائه راهکارهای قرآنی با تاکید بر آیه ۳۴ سوره نساء، هستیم.

کلیدواژگان: آیه ۳۴ سوره نساء، قوامیت مرد، طلاق، استقلال مالی زنان، آینده پژوهی.



How to cite: Soltani, M. M., RezazadehAsgari, Z., Hashemnejad, H., & SadrHosseini, S. A. (2024). Examining Verse 34 of Surah An-Nisa in Analyzing the Structure of Divorce Factors with a Foresight Approach. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(4), 95-109.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 03 January 2025

Revise Date: 16 January 2025

Accept Date: 06 February 2025

Publish Date: 10 March 2025

شیوه استناددهی: سلطانی، محمد مهدی، رضازاده عسگری، زهرا، هاشم نژاد، حسین، و صدرحسینی، سید علیرضا. (۱۴۰۳). بررسی آیه ۳۴ سوره نساء در تحلیل ساختار عوامل طلاق با رویکرد آینده پژوهی. معرفت و بصیرت اسلامی، ۲(۴)، ۹۵-۱۰۹.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۶ دی ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۷ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۰ اسفند ۱۴۰۳

مقدمه

با توجه به اهمیت طلاق به عنوان عامل از هم پاشیدگی خانواده، این موضوع همواره مورد توجه پژوهش گران بوده است. پژوهش های صورت گرفته در این زمینه از زوایای متفاوتی این مسأله را دنبال کرده اند. برخی علل و عوامل آن را هدف بررسی قرار داده اند و برخی دیگر به جنبه های روانی و اجتماعی و پیامدهای متأثر از آن بر خانواده شامل زوجین و فرزندان پرداخته اند. این موضوع به ویژه در حوزه تحقیقات اجتماعی، روانشناختی، سلامت و بهزیستی و حقوق، توجه زیادی را به خود جلب نموده است. رویکرد آینده پژوهی و تحلیل ساختاری عوامل طلاق نیز شناخت ما را در این باره توسعه می بخشد و شواهدی را جهت تحلیل عوامل طلاق در آینده را فراهم می سازد.

آمارها و پژوهش های اخیر حاکی از افزایش منظم میزان طلاق در ایران در طی یک دهه ی گذشته است، به گونه ای که صاحب نظران پیوسته درباره این روند هشدار داده اند.

طبق گزارش مرکز آمار کشور، در یک دهه ی اخیر نه تنها با افزایش آمار طلاق مواجه بودیم، بلکه با کاهش آمار ازدواج نیز روبرو هستیم، که این امر افزایش نرخ رشد طلاق را به صورت چشم گیری بالا برده است؛ به گونه ای که در سال ۱۳۸۹، بیش از ۸۹۱ هزار ازدواج و ۱۳۷ هزار طلاق به ثبت رسیده است، یعنی حدود ۱۵.۳٪ ازدواج ها به طلاق ختم شده است، لکن این رقم در سال ۱۳۹۸ با توجه به ۵۱۹ هزار ازدواج و ۱۷۱ هزار طلاق، به بیش از دو برابر خود، یعنی ۳۲.۹٪ رسیده است؛ به عبارت دیگر یعنی از هر سه ثبت ازدواج در کشور در سال ۹۸، یک طلاق ثبت شده است.

با نگاهی اجمالی به جدول فوق، در می یابیم که به طور میانگین، سالانه حدود ۲ درصد به نرخ رشد طلاق اضافه می شود؛ تاملی دقیق تر به این آمارها لازم می نمود که دلایل موثر و کلیدی در این رشد دو برابری در یک دهه اخیر شناسایی، تا عوامل موثر طلاق در آینده نیز معلوم گردد. در این تحقیق با تحلیل ساختاری علل موجود در طلاق، اقدام به جمع بندی و نتیجه گیری از آن ها شده است. این اقدام می-

تواند به روشن شدن عوامل موثر طلاق در آینده کمک کند و بستر لازم جهت ارائه راه کار جهت دستیابی به ثبات خانواده و کاهش آمار طلاق را فراهم سازد.

پدیده طلاق علل متعددی دارد و هرگز یک علت را نمی توان به عنوان علت اصلی طلاق در نظر گرفت؛ لکن در این میان علت های وجود دارد که نقش و اثر پررنگ تری نسبت به سایر علل دارند و در این پژوهش با استفاده از تحلیل ساختار متغیرها (عوامل طلاق) به اثر گذارترین و اثر پذیرترین آن ها در آینده دست خواهیم یافت.

اهمیت مسئله

طلاق پدیده ای نکوهش شده در همه جوامع بشری و ادیان و فرهنگ ها به حساب می آید که به گسستگی بنیان یک خانواده منجر می شود که روزی با امیدها و آرزوهای بسیار شکل گرفته است. پیامدهای طلاق فقط مختص زن و مرد نیست، بلکه محققان پیامدهای منفی متعددی را برای طلاق برشمرده اند، از جمله آن ها می توان به اثرات روانی و مشکلات ناسازگاری فرزندان طلاق و همسران از هم جدا شده، و نیز آسیب های اجتماعی آن برای جامعه نام برد (Yaqoubi et al., 2011).

آمار طلاق در جامعه ایرانی در سال های گذشته به شکل نگران کننده ای سیر صعودی به خود گرفته، و این افزایش از سال های ۱۳۸۳ تاکنون پیوسته ادامه یافته است (Ahmadi Mo'oud, 2008).

موضوع «طلاق» مورد توجه محققان و پژوهش گران زیادی قرار گرفته است و پیش از این به عوامل فردی، روانشناختی، جامعه-شناختی، و اقتصادی زمینه ساز این پدیده و نوگرایی اشاره کرده اند، اما بنظر می رسد این گونه بررسی ها که فقط به وضع موجود پرداخته اند، قادر به پاسخ گویی به این نیازها نبوده و نتیجه لازم را نداشته و لزوم توجه به رویکردی جدید و جایگزین هم چون رویکرد آینده-پژوهی را مطرح می سازد، بنابراین باید به عوامل موثر در آینده توجه بیشتری شود، چرا که زمان در حال عبور و شرایط جامعه در حال گذار از سنتی به مدرنیته است.

ضرورت توجه به رویکرد آینده‌پژوهی از آن‌جا ناشی می‌شود که پدیده طلاق از عوامل زیادی متأثر می‌شود و بر پدیده‌های زیادی نیز تأثیر می‌گذارد، که با شناخت عوامل کلیدی و تأثیرگذار این پدیده در آینده، و حذف و کم کردن آن عوامل، می‌توان عوامل دیگر(با تأثیرگذاری کم یا تأثیرپذیر) را نیز کنترل کرد، که این امر دسترسی ما به شرایط مطلوب در روند کاهش آمار طلاق و همچنین جلوگیری از پدیده‌های دیگر چون بالا رفتن سن ازدواج، کاهش رشد جمعیت و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن‌ها، را فراهم می‌سازد.

اسلام و قرآن کریم که کتاب هدایت و برنامه‌ی زندگی بشر در تمام زمان‌ها و تمام مکان‌هاست، اهتمام بالایی نسبت به خانواده و تحکیم آن داشته است، اما از آنجا که در عصر حاضر، سبک زندگی افراد، انطباق کمتری با احکام و دستورات قرآن دارد، شاهد رشد آمار طلاق، در جامعه هستیم؛ و برای جلوگیری از این تزلزل در بنیان خانواده‌ها، باید بتوانیم احکام و دستورات قرآن کریم را در جامعه نهادینه کنیم.

از این‌رو در پژوهش پیش رو، با هدف ارائه راهکارهای قرآنی در کاهش پدیده طلاق با رویکرد آینده‌نگاری ضمن توجه به تازه‌ترین آمارهای ازدواج و طلاق، و روند تغییرات آماری در طی دهه‌ی گذشته، سعی شده است تا با رویکرد آینده‌پژوهی، پیشران‌های کلیدی موثر بر طلاق در آینده، شناسایی شود تا در نهایت با واکاوی و شناسایی این عوامل کلیدی، و تطبیق آن با آیات قرآن، برنامه‌ریزی مسنجم و یکپارچه‌ای برای کاهش آمار طلاق در ایران صورت گیرد. سوال اصلی در این پژوهش عبارتند از:

۱. اثرگذارترین و اثرپذیرترین عوامل طلاق در آینده کدام-

اند؟

۲. قرآن کریم برای حل این مشکل و تحکیم خانواده چه راه

حلی اندیشیده است؟

بعد از شناسایی این عوامل در ذیل آن سوالات فرعی این پژوهش:

۱. این عوامل کدام یک از اصول و عوامل قرآنی تحکیم خانواده را زیر پا گذاشته‌اند که منجر به بی‌ثباتی خانواده‌ها و افزایش روزافزون مسئله طلاق در کشور شده است؟

۲. برای رفع بی‌ثباتی ازدواج و کاهش طلاق با استفاده از قرآن کریم چه عواملی باید در نهاد خانواده رعایت و یا نقش آن پررنگ‌تر گردد تا با افزایش چشم‌گیر آمار طلاق در جامعه روبرو نباشیم؟

پیشینه تحقیق

آیه ۳۴ سوره نساء^۱ از جمله آیاتی است که در باب مطالعات زنان مورد توجه خاص مفسران و پژوهش‌گران قرار گرفته است. بنابراین مقالات و مطالب بسیاری در این باره نوشته شده که بیشتر به حیطه و محدوده قیومیت اشاره شده به طوری که زارع در مقاله «بررسی سیر تفسیری آیه ۳۴ سوره نساء» به بررسی دیدگاه‌های سه تن از شخصیت‌های معاصر می‌پردازد و عوامل تفسیری آنان را بیان می‌کند؛ و عظیم زاده اردبیلی در مقاله «قوامیت مرد از نگاه قرآن کریم» به مطالب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان می‌پردازد؛ و عارفیان در مقاله «قدرت، اقتدار و قوامیت خانواده» به نظریات فمینیسم و فقهای شیعه می‌پردازد؛ و نصیری در مقاله «فلسفه و گستره قیومیت مردان بر زنان در نظام خانواده» به تبیین مفهوم قیومیت و ضرورت پیش‌بینی مدیر در خانواده و همچنین گستره قوامیت مردان سخن گفته است. لکن بحث در این پژوهش به سمت علت‌های این فضیلت و قیومیت می‌رود که چه عللی در جامعه باعث از بین رفتن یا کم‌رنگ شدن قیومیت در خانواده‌ها شده است.

همچنین، مطالعه علمی درباره طلاق در طی چند دهه اخیر محققین زیادی را به خود مشغول داشته است. این مطالعات نه تنها به وسیله جامعه‌شناسان بلکه به وسیله حقوق‌دانان، قضات، مددکاران اجتماعی، روان‌درمان‌ها، پزشکان و سایرین رویکردهای متفاوتی

نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و به خاطر انفاق‌هایی که از اموال‌شان (در مورد زنان) می‌کنند

۱. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتری‌هایی که خداوند (از

۱-۳. روش تحلیل ساختاری

تحلیل ساختاری از روش‌هایی است که به تحلیل روابط بین متغیرها و رفتارهای پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی یک سیستم می‌پردازد و خروجی آن در بررسی روابط بین متغیرها و شناسایی ویژگی، شدت و ضعف آن‌ها کاربرد دارد. این روش با ترکیب روش پیمایش محیطی، کاربرد بسیاری در درک ابعاد آینده‌ی یک سیستم و شناخت چگونگی کنش متغیرها در آینده خواهد داشت (Hajjani, 2012). به طور کلی، تحلیل ساختاری در سه مرحله

انجام می‌شود: مرحله اول: استخراج متغیرها/عوامل؛

مرحله‌ی دوم: تعیین روابط بین متغیرها؛

مرحله‌ی سوم: شناسایی متغیرهای کلیدی و موثر در آینده.

۲-۳. نرم افزار میک‌مک (Mic Mac) ابزار تحلیل ساختاری

نرم‌افزار میک‌مک به منظور سهولت تحلیل ساختاری طراحی شده که مخفف فرانسوی «ماتریس ضرایب تحلیل اثر متقاطع به منظور طبقه‌بندی» است (Godet, 2006). این نرم‌افزار برای انجام محاسبات پیچیده ماتریس تحلیل اثر متقاطع طراحی شده است. میزان ارتباط متغیرها با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود. اگر تعداد متغیرهای شناسایی شده n متغیر باشد، یک ماتریس $n \times n$ از روابط بین متغیرها به دست می‌آید (Zali, 2013).

تحلیل ساختاری (تحلیل تاثیر متقابل) متغیرها بر یک‌دیگر از طریق نمودار و در نواحی مختلف مختصات قابل بررسی است. مختصات تحلیل آثار متقابل متغیرها بر یک‌دیگر چهار ناحیه دارد که هر کدام میزان اثرگذاری و یا اثرپذیری متغیرها بر یک‌دیگر را نشان می‌دهد (Rabbani, 2012).

صورت گرفته است؛ در این میان، یکی از این رویکردها که تاکنون در پژوهش‌های مربوط به علل و عوامل طلاق، مورد توجه قرار نگرفته است، براساس رویکرد آینده‌پژوهی است.

بررسی مطالعات انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد که در بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته، عوامل موثر بر پدیده طلاق به صورت سیستمی بررسی نشده و به جای رویکرد آینده‌نگارانه، بیشتر بر وضع موجود و فعلی توجه شده است؛ همچنین در این پژوهش‌ها تنها به احصاء و بررسی علل طلاق توجه شده است؛ این در حالی است که در این پژوهش با استخراج و بررسی مجموع عوامل، نه تنها تاثیرگذاری عوامل در آینده، بلکه نحوه و میزان تاثیرپذیری آن نیز از هم‌دیگر بررسی شده تا با توجه به این روابط، برنامه‌ریزی روی عوامل و متغیرها صورت گیرد که از آن‌ها بالاترین بهره‌ها حاصل شود.

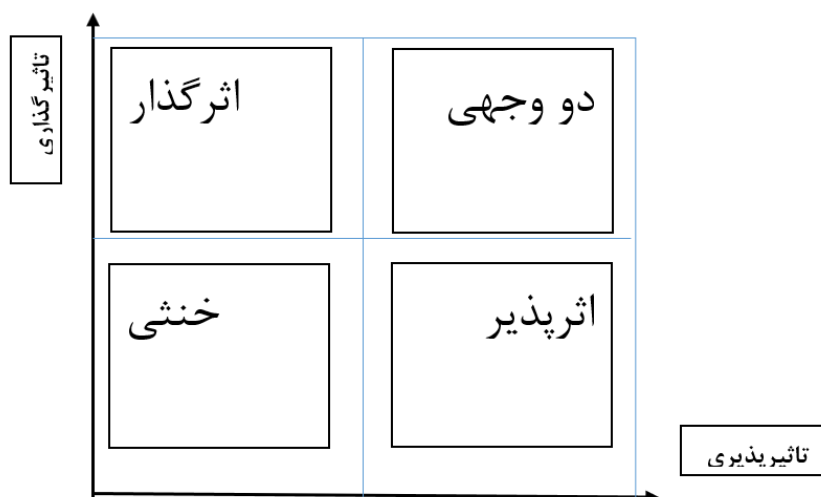
در باب بررسی علل و عوامل طلاق، موردی با رویکرد آینده‌پژوهی یافت نشده است.

روش پژوهش

این تحقیق بر اساس هدف کاربردی کاهش آمار طلاق و جلوگیری از روند صعودی طلاق، بر اساس روش ترکیبی اسنادی-پیمایشی در سطح کشف - تحلیلی، صورت گرفته است.

براین اساس، با گردآوری اسنادی عوامل طلاق، و ارائه به کارشناسان و اساتید دانشگاه به صورت پرسشنامه، و تعیین متغیرها، روش تحلیل ساختار آغاز گردید. از ویژگی‌های روش تحلیل ساختار، در ابتدا شناسایی روابط بین متغیرها (عوامل)، و در نهایت شناسایی عوامل موثر و کلیدی در آینده است. از توانمندی‌های دیگر این روش، در شناسایی کیفی شدت و ضعف عوامل نیز کاربرد دارد (Zali &

Mansouri Birjandi, 2015).



شکل ۱. نمودار تأثیر پذیری. تأثیر گذاری

در مرحله سوم، مجدداً پرسشنامه‌ای در اختیار کارشناسان مزبور قرار داده شد تا با امتیازدهی، میزان ارتباط و تأثیرگذاری عوامل بر یکدیگر، با اعداد بین صفر تا سه مشخص گردد. به این صورت که عدد صفر نشان گر «عدم تأثیر» و عدد سه نشان گر «تأثیر زیاد» این روابط خواهد بود.

در مرحله چهارم، جهت اجرای روش تحلیل ساختاری، میانگین نظر متخصصان، به عنوان داده‌های ورودی نرم‌افزار میک‌مک ثبت، و از خروجی آن به عنوان یافته‌های پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد. در گام آخر، با مشخص شدن اثرگذارترین و اثرپذیرترین عوامل موثر در طلاق در آینده، و با تطبیق آیات قرآن، به ارائه راه کار جهت کاهش طلاق و رفع بی‌ثباتی خانواده، می‌پردازیم.

یافته‌های پژوهش

با توجه به داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از مقالات، رساله‌ها و پژوهش‌ها که بیشترین علل و عوامل طلاق را ۲۴ عامل زیر ذکر کرده‌اند:

خروجی مدل تحلیل اثر متقابل، روابط بین متغیرها را نشان می‌دهد که نرم‌افزار میک‌مک قابلیت تبدیل روابط به شکل‌ها و نمودارهای ویژه را داراست و با امکانات خود تحلیل آسان روابط و ساختار سیستم را امکان‌پذیر می‌کند.

مراحل تحقیق

در ابتدای کار، به روش اسنادی از طریق جمع‌آوری داده‌های موجود در مقالات، رساله‌ها و پژوهش‌ها، ۲۴ عامل شناخته شده در بحث طلاق و جدایی استخراج شده است.

در گام دوم، این ۲۴ عامل، به صورت پرسش‌نامه‌ای در اختیار کارشناسان و اساتید دانشگاه (روانشناسی، تاب‌آوری خانواده، مطالعات زنان، جامعه‌شناسی، مطالعات زن و خانواده و...) قرار داده شد، و با تعیین مهم‌ترین عوامل، ۱۴ عامل با اهمیت کم‌تر از دید متخصصان حذف شد و در آخر ۱۰ عامل کلیدی و موثر در پدیده طلاق معین گردید.

جدول ۱. عوامل به دست آمده به همراه کد

عوامل	عوامل	عوامل
۱ نوع پوشش	۹ سخت‌گیری در نفقه	۱۷ اخلاق نامناسب (عدم تفاهم اخلاقی)
۲ عدم تمکین	۱۰ مهریه (تعداد، وصول،...)	۱۸ اعتقادات دینی و میزان پابندی به آن
۳ نازایی	۱۱ معیارهای ازدواج	۱۹ ناخشنودی از روابط جنسی
۴ دخالت اطرافیان	۱۲ ازدواج تحمیلی	۲۰ استقلال اقتصادی زنان (کم رنگ شدن قیومیت مرد)

۵	اعتیاد	۱۳	تجمل گرایی	۲۱	تغییر در قوانین طلاق (شروط ۱۲ گانه و کالت در طلاق)
۶	ثروت بادآورده	۱۴	جنسیت فرزندان	۲۲	ناهماهنگی طبقاتی زوجین
۷	بی کاری	۱۵	ازدواج موقت	۲۳	اختلافات سطح تحصیلی
۸	خیانت	۱۶	روابط فرازنشویی	۲۴	عدم گذشت و بردباری

این عوامل به صورت پرسش نامه‌ای در اختیار کارشناسان و اساتید دانشگاه (روانشناسی، تاب آوری خانواده، مطالعات زنان، جامعه شناسی، مطالعات زن و خانواده و...) قرار داده شد و در نهایت، با تعیین مهم ترین عوامل، ۱۴ عامل با اهمیت کم تر از دید متخصصان حذف، و ۱۰ عامل کلیدی و موثر در پدیده طلاق برای اجرای تحلیل ساختار معین گردید.

جدول ۲. معرفی متغیرها، و علائم اختصار آن‌ها در نرم افزار

عوامل	اختصار در نرم افزار	عوامل	اختصار در نرم افزار
۱ اخلاق نامناسب	بداخلاقی	۶ نا هماهنگی طبقاتی زوجین	اختلاف طبق
۲ اعتیاد	اعتیاد	۷ استقلال اقتصادی زنان	شغل زن
۳ ناخشنودی از روابط جنسی	نارضایتی ج	۸ معیارهای ازدواج	معیار ازدو
۴ عدم گذشت و بردباری	عدم گذشت	۹ دخالت اطرافیان	دخالت اطرا
۵ خیانت	خیانت	۱۰ ازدواج موقت	ازدواج موق

جدول ۳. شاخص های پژوهش و مقادیر آن‌ها

شاخص	مقدار
سایز ماتریس	۱۰
تعداد تکرار	۳
تعداد صفر	۲۱
تعداد یک	۲۳
تعداد دو	۳۸
تعداد سه	۱۸
جمع	۷۹
درصد پرشدگی	۷۹٪

ده عامل شناسایی شده فوق با نرم افزار میک مک برای استخراج عوامل اصلی اثرگذار در پدیده طلاق در آینده مورد تحلیل قرار گرفت.

در پرسش نامه دوم، متخصصان و کارشناسان امر با امتیازدهی میزان ارتباط و تاثیرگذاری عوامل بر یکدیگر، با اعداد بین صفر تا سه، مقدار کمی تاثیرات مشخص گردید. به این صورت که عدد صفر

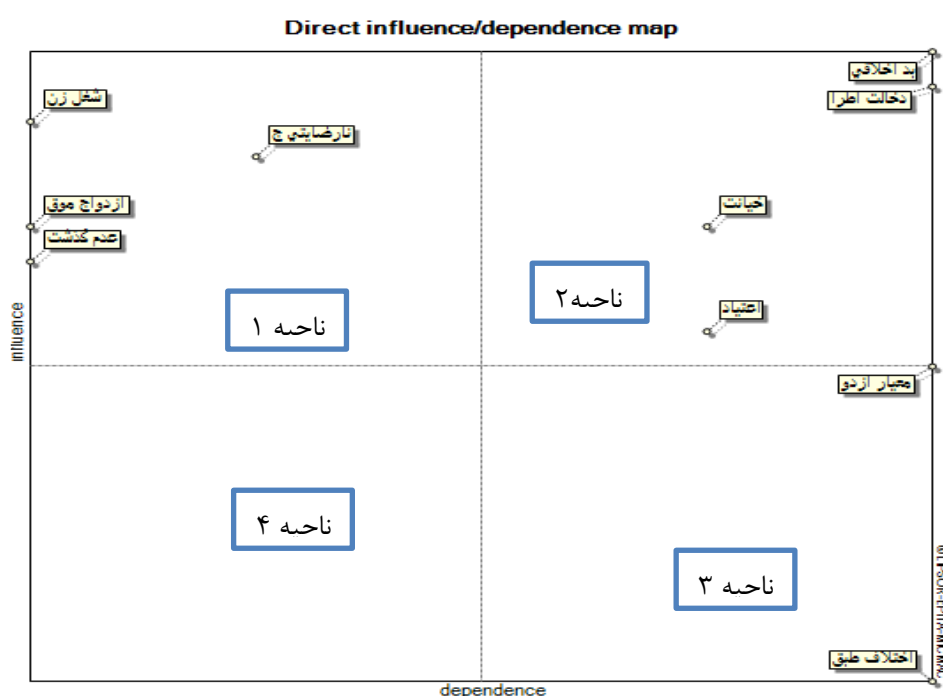
نشان گر «عدم تاثیر» و عدد سه نشان گر «تاثیر زیاد» این روابط خواهد بود. میانگین نظر متخصصان، به عنوان داده های ورودی نرم افزار میک مک ثبت، و خروجی آن، به عنوان یافته های پژوهش، به صورت جمع ستون ها (تاثیرپذیری) و جمع سطرها (تاثیرگذاری) به دست می آید.

جدول ۴. تحلیل اولیه ماتریس عوامل

عوامل	جمع سطرها (تاثیر گذاری)	جمع ستون‌ها (تاثیر پذیری)
۱ اخلاق نامناسب	۲۱	۱۷
۲ اعتیاد	۱۳	۱۶
۳ ناخشنودی از روابط جنسی	۱۸	۱۴
۴ عدم گذشت و بردباری	۱۵	۱۳
۵ خیانت	۱۶	۱۶
۶ ناهماهنگی طبقاتی زوجین	۳	۱۷
۷ استقلال اقتصادی زنان	۱۹	۱۳
۸ معیارهای ازدواج	۱۲	۱۷
۹ دخالت اطرافیان	۲۰	۱۷
۱۰ ازدواج موقت	۱۶	۱۳
مجموع	۱۵۳	۱۵۳

با توجه به شکل ۲ و بر اساس نتیجه حاصل از این ماتریس، اثرگذاری استقلال اقتصادی زنان بسیار بیشتر از اثرپذیری آن‌ست و در سیستم تاثیر زیادی می‌گذارد. به منظور تحلیل نتایج در نخستین قدم با یک روش ساده می‌توان دریافت که تاثیر متغیرها با در نظر گرفتن تعداد گروه‌های ارتباطی در ماتریس تشکیل شده، قابل سنجش است. متغیری که بر تعداد محدودی از متغیرها اثر مستقیم دارد، تاثیرگذاری اندکی نیز در کل سیستم دارد. به این ترتیب، اثرپذیری مستقیم یک

متغیر را نیز می‌توان با در نظر گرفتن ستون مربوط در ماتریس بررسی کرد. بنابراین، مجموع عددهای هر سطر نشان‌دهنده اثرگذاری متغیر مربوط و مجموع عددهای هر ستون نمودار اثرپذیری آن متغیر است؛ پس تمام متغیرها و محیط دربرگیرنده‌ی آن‌ها را می‌توان با نمایش آن‌ها در یک نمودار مفهومی یا محور مختصات (اثرگذاری-اثرپذیری) نمایش داد (Zali, 2009).



شکل ۲. نقشه پراکندگی عوامل و جایگاه آن‌ها در مختصات تاثیرگذاری - تاثیرپذیری

مستقیم متغیرها بر هم‌دیگر

نتیجه تحلیل عوامل کلیدی و موثر در پدیده طلاق در آینده بر اساس تحلیل ساختاری به شرح زیر می‌باشد:

عوامل اثرگذار: وجود عوامل ناحیه یک در شکل شماره‌ی دو، نشان دهنده‌ی توان تاثیرگذاری کلان آن‌ها بر کل سیستم است. این متغیرها عبارت‌اند از: «استقلال اقتصادی زنان یا اشتغال زنان، نارضایتی جنسی، ازدواج موقت و عدم گذشت». این متغیرها مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر افزایش طلاق در جامعه هستند.

عوامل دو وجهی: این متغیرها دارای دو ویژگی مشترک اثرگذاری زیاد و اثرپذیری زیاد هستند و هر عملی روی آن‌ها، در متغیرهای دیگر نیز تغییر ایجاد خواهد کرد. در ناحیه‌ی دو در شکل شماره‌ی دو، عوامل «بداخلاقی، دخالت اطرافیان، خیانت، اعتیاد، معیارهای ازدواج» از جمله این متغیرهای دو وجهی هستند. این عوامل بر عوامل دیگر هم تاثیر زیادی می‌گذارد و هم از آن‌ها بسیار تاثیر می‌پذیرد.

عوامل تاثیرپذیر: این متغیرها در ناحیه‌ی سه، در شکل شماره‌ی دو؛ از اثرپذیری بسیار زیاد از سیستم و اثرگذاری بسیار کم در سیستم برخوردارند. «اختلاف طبقاتی زوجین» از جمله این متغیرهای تاثیرپذیر است. این عامل بی‌آنکه بر سایر عوامل حوزه تاثیر زیادی داشته باشد، از آن‌ها متاثر می‌شود.

بنابراین عوامل کلیدی و بسیار تاثیرگذار بر پدیده طلاق در آینده شامل این موارد است: ۱. اشتغال زنان، ۲. نارضایتی جنسی، ۳. ازدواج موقت، ۴. عدم گذشت، که نقش اشتغال زنان نسبت به سایر عوامل پررنگ‌تر از بقیه است. در این پژوهش مجال بررسی هر چهار عامل نیست و لذا فقط به مهم‌ترین و موثرترین عامل، یعنی اشتغال زنان خواهیم پرداخت، چرا که متغیر یا عاملی این چنین با تاثیرگذاری بالا، و تاثیرپذیری کم، روی عوامل دیگر نقش مهم و بسزایی دارد که با کنترل و یا حذف این عامل می‌توان سایر عوامل تاثیرگذار در طلاق را کنترل کرد.

راهکارها و پیشنهادها قرآنی

تحقیقات علمی بر اساس جامعه آماری که به بررسی عوامل طلاق در وضع موجود پرداخته‌اند نیز، به خوبی نشان می‌دهد که عاملی چون اشتغال زنان ارتباط مستقیمی با مسئله تحکیم خانواده دارد؛ زیرا با بررسی‌های علمی ثابت کرده‌اند که شاخص بی‌ثباتی ازدواج (که منجر به طلاق شده است)، در زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه دار بیش‌تر است و همچنین از طرفی تعداد زنان شاغل روز به روز افزایش می‌یابد و از طرف دیگر نیز میزان طلاق‌های رسمی و عاطفی نیز در حال افزایش تصاعدی است (Shafiei Dehaghani, 2013).

اشتغال زنان پیامدها و نتایج مفید متعددی با خود به همراه دارد، اما بررسی این پیامدها و نتایج خارج از موضوع این نوشتار است. آنچه نوشتار کنونی بدان می‌پردازد، این است که این دگرگونی شغلی جامعه که منجر به بیکاری خیل کشوری از مردان شده است چه رابطه‌ای با مسئله تحکیم خانواده و طلاق دارد؟ این عامل که در تحقیقات و مطالعات علمی پیشین نیز به دست آمده است، کدام یک از اصول و عوامل قرآنی تحکیم خانواده را زیر پا گذاشته‌اند که منجر به بی‌ثباتی خانواده‌ها و افزایش روز افزون مسئله طلاق در کشور شده است؟ برای رفع بی‌ثباتی ازدواج و کاهش طلاق با استفاده از قرآن کریم چه عواملی باید در نهاد خانواده رعایت و یا نقش آن پررنگ‌تر گردد تا با افزایش چشم گیر آمار طلاق در جامعه روبرو نباشیم؟

بحث تفسیری آیه

قرآن کریم در آیه‌ی ۳۴ سوره نساء، به جهت جلوگیری از هرج و مرج و تحکیم خانواده، مرد را ولی و سرپرست معرفی می‌کند که نفقه و رفع نیازهای مالی همسر، برعهده وی است. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و به خاطر انفاق‌هایی که از اموال‌شان (در مورد زنان) می‌کنند) (نساء/۳۴)

۱-۱-۶. دلیل قوامیت مرد بر زن

آیه‌ی مزبور دو دلیل برای «قیمومیت» عنوان کرده است:

۱. « بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ: فزونی تکوینی مرد بر زن؛ یعنی خصوصی که برای رسیدگی و تنظیم امور و تامین آسایش نیاز است. توضیح این که پشتوانه‌ی این موارد، قوت و فزونی قوای بدنی است تا مردان بتوانند با تکیه بر آن، در مقابل وظایف سنگین و رخ داده‌های سخت، شکیبا باشند. برعکس در برنامه‌های لطیف و سبک مانند مدیریت امور منزل، تربیت فرزندان و تامین آرامش خانواده که از نظر کیفیت و ظرافت مهم هستند، زن تنظیم کننده‌ی خانواده خواهد بود (Makarem Shirazi, 1995).

۲. « بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ: تامین معاش زن که به تناسب خصوصیات تکوینی بر گردن مرد نهاده شده است (Modarresi & Translation, 1998). یعنی این که مردان از مال خود، نفقه‌ی زنان را می‌پردازند و بدین دلیل، مسلط بر زندگی آن‌ها می‌شوند (Tabatabai, 1984). خدای تعالی مردها را در این دو جهت بر زنان فضیلت داده و باید دانست که این فضیلت و برتری مردها بر زنان از جهت قوت عقلی و نیروی بدنی به طور کلی بر کلی است نه به طور شمول بر تمام افراد زیرا که چنانچه معلوم است خیلی از زنانی بوده و هستند که در تدبیر و عقل بلکه در قوای بدنی بر بعضی از مردان فضیلت دارند (Qureshi, 1992).

قلمرو قوامیت مرد

در این موضوع دو نظر کلی مطرح شده است:

۱. قوامیت مرد بر زن در خانواده و اجتماع:

اگر مراد از رجال را جنس مردان بدانیم قلمرو قوامیت از خانواده فراتر رفته و به اجتماع بشری تسری می‌یابد که برخی برتری وجود مردان بر وجود زنان را نیز یکی از دلایل قوام بودن مردان می‌دانند (Qureshi, 1992). این گروه قوامیت را علاوه بر خانواده در امور اجتماعی، قضاوت و جنگ نیز تسری می‌دهند (Hosseini, 1999; Tabatabai, 1984).

۲. قوامیت فقط در خانواده:

در تفاسیر دهه اخیر این نظر بیشتر به چشم می‌خورد. در این جا مرد برای اداره و حفظ خانواده شایسته می‌باشد، ولی در خارج از خانواده دیگر قوامیتی وجود ندارد و زن مانند مرد این آزادی را دارد که در محدوده شریعت اسلام هرکاری را مانند کارهای علمی و عمی و مدیریتی انجام دهد (Fadlullah, 1998; Javadi Amoli, 1999).

بنابراین، می‌توان گفت، مفسرینی که «رجال» را به معنای عام گرفته‌اند، قیومیت را نیز به صورت عام مد نظر قرار داده‌اند، یعنی هم در خانواده هم در جامعه، که قدر متیقن آن در هر دو نظریه، ولایت مرد در خانواده است.

استنباط از آیه

یکی از مسائل و دلایل مهمی که در گذشته زنان بیشتر به زندگی و خانواده پای‌بند بوده‌اند و با هر گونه مشکلات، انگیزه کافی برای حفظ زندگی زناشویی خود داشتند، امنیت مالی آنان در خانواده بود (Esfandiar, 2015)، ولی امروزه با ورود بی سابقه آنان به عرصه اشتغال، این انگیزه کم رنگ، و منجر به استقلال اقتصادی زنان شده است.

بنابر مدلول آیه، می‌توان نتیجه گرفت:

۱. زنی که دارای درآمد اقتصادی باشد و نیازی به نفقه همسر نداشته باشد، این تمکن و استقلال مالی وی یکی از این دو دلیل قوامیت مرد که در آیه گفته شده (بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...) را از بین می‌برد و با از بین رفتن قوامیت مرد در خانواده، سرپرستی و ولایت در آن خانواده به چالش کشیده می‌شود.

۲. این استقلال مالی زن، به گونه‌ای که خود را بی نیاز به نفقه همسر بداند، آستانه‌ی صبر او در برابر مشکلات زناشویی را کاهش و در مقابل انگیزه او به جدایی را با فرض وجود مشکلات بیشتر می‌کند.

به گونه‌ای که شفيعی دهقانی در پایان‌نامه‌ی «اشتغال زن و تحکیم خانواده؛ موانع و راهکارها» با بررسی نقش اشتغال در نرخ رشد طلاق در جامعه، آمار طلاق در زنان شاغل را بیش از زنان خانه دار عنوان می‌کند.

۳. این درآمد اقتصادی زن، گاهی میل به جدایی در مردان را نیز تقویت می‌کند، به این بیان که وقتی مردی از همسر خود جدا می‌شود، به راحتی می‌تواند از پرداخت نفقه و هزینه‌های مرتبط با نگهداری فرزند یا فرزندان شانه خالی کند.

۴. مضافاً بر این، تمکن مالی مادر، به نوعی با مسئله قوامیت مرد در تعارض است؛ به این بیان که ممکن است در خانواده‌ای که مادر توانایی برطرف کردن بخشی از نیاز مالی فرزندان را دارد، نقش پدر تضعیف و فرزندان خود را از راهنمایی و کمک‌های پدر بی‌نیاز بدانند، که در این صورت به مرور زمان، جایگاه پدر در خانواده مخدوش می‌گردد (Chizari, 2013).

تأثیر اشتغال زنان بر سایر عوامل طلاق

علاوه بر این که اشتغال و استقلال اقتصادی زنان، به صورت مستقیم باعث مشکل می‌شود، از آن جهت که این عامل تأثیرگذاری قوی نسبت به سایر عوامل دارد، به صورت غیرمستقیم نیز مسائل پیرامون آن، زمینه را برای ایجاد اختلاف و از هم پاشیدگی خانواده‌ها، فراهم می‌کند:

نارضایتی جنسی

اشتغال و فعالیت چند ساعته زنان در خارج از خانه، به نوعی باعث از بین رفتن شور و نشاط و کم شدن جاذبه‌هایی که بین زن و مرد در روابط زناشویی وجود دارد، می‌شود. با توجه به ساختار فیزیکی زن، زمانی که نیمی از روز شبانه روز را در بیرون از منزل مشغول به کار است، و وقتی با تمام خستگی به خانه برمی‌گردد، علی‌رغم اینکه نیازمند استراحت است، با انبوهی از کار خانه و همسراری و فرزندداری مواجه می‌شود، که اگر از کنار این قبیل کارها به راحتی

عبور کند و وظایف خانه‌داری را به جا نیاورد، خود یک مشکل و یا اگر این وظایف را انجام دهد، دیگر چنین کسی انرژی کافی برای بروز جاذبه‌های روانی-جنسی که یکی از عوامل خوشبختی زوجین به حساب می‌آید، را نداشته و این امر به مرور زمان، نارضایتی‌های جنسی را که خود یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پدیده طلاق است را به دنبال خواهد داشت.

از این جهت، سرور در مقاله «اشتغال زنان در بستر خانواده و ارتباط آن با طلاق» می‌نویسد: کالبد شکافی برخی از طلاق‌ها نشان می‌دهد ریشه دلزدگی زوجین از یکدیگر در دافعه‌های روانی - جنسی است.

بی‌کاری مردان

این معضل علاوه بر اینکه یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های جامعه‌ی امروز ما هست، یکی از عوامل مهم در پدیده طلاق نیز شناخته شده است؛ و علاوه بر این یکی از عوامل بالا رفتن سن ازدواج در پسران نیز به شمار می‌رود چرا که یکی از مولفه‌های ازدواج، شغل پسران است و این امر منجر به افزایش تعداد پسران تحصیل کرده‌ی بیکار شده و به پیامدهای ناشی از تجرد از قبیل افسردگی، اعتیاد و آسیب اجتماعی دیگر، دامن می‌زند.

ریشه‌ی این مسئله علاوه بر کمبود شغل، به دست‌گیری شغل‌های موجود زیادی توسط زنان نیز می‌باشد.

این موضوع به این معنا نیست که صرف تصدی بانوان در امر اشتغال، موجب کمبود شغل در جامعه شده است؛ چرا که در برخی از کشورهای توسعه یافته، مانند چین، ژاپن و... بانوان نیز مانند سایر آقایان شاغل هستند و مشکلی در بحث اشتغال آن کشور به وجود نمی‌آید، اما در کشور ایران علاوه بر علت اصلی آن که کمبود شغل است، تصدی بانوان در بحث اشتغال مشکل کمبود شغل را دوچندان کرده است.

اکثر زنان به علت اینکه مسئولیت تأمین معاش و مدیریت مالی خانواده را به عهده ندارند، غالباً راحت‌تر مشاغل کم‌درآمد را می‌پذیرند، از این رو نیروی کار ارزان به حساب می‌آیند؛ همین موضوع سبب شده تا موسسات و شرکت‌ها بیشتر به جذب نیروی کار زن روی آورند،

در صورتی که می‌توانست همین جایگاه در تصرف مردی که مسئولیت خانه و خانواده به عهده‌ی اوست، باشد.

دخالت اطرافیان

صرف نظر از این که آیا واقعا مهدکودک می‌تواند جایگزین مناسبی برای کودک باشد، اما برخی کودکانی که مادر شاغل دارند در مهدکودک به سر می‌برند؛ و در برخی موارد نیز مادر مجبور است برای نگهداری از فرزند خود دست به دامن والدین خود یا والدین همسرش گردد که خود این مساله به مرور موجبات مشکلات بیشتر و دخالت بیشتر والدین در زندگی زن و شوهر را فراهم می‌سازد و یا آن جنبه خصوصی که زندگی زناشویی باید داشته باشد از بین می‌رود، چرا که زن و مرد دائما در تماس مستقیم با والدین خود و همسرشان هستند. دخالت والدین و اطرافیان نیز یکی از عوامل موثر و کلیدی در پدیده طلاق است.

راه کارها و پیشنهاد

با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء که جهت سر و سامان بخشیدن و تحکیم خانواده، مرد را قیم و سرپرست معرفی می‌نماید و با توجه به کم رنگ شدن این مسئولیت مردان در خانواده به سبب اشتغال زنان، که ثبات خانواده را متزلزل کرده است، باید مسائلی را که این مسئولیت را به مردان باز می‌گرداند و یا این نقش را در خانواده پر رنگ تر می‌کند را مد نظر قرار داد:

اولویت دادن مردان در اشتغال

در دین مبین اسلام، مسئولیت هزینه‌ی زندگی و تأمین معاش، بر عهده‌ی مرد است؛ بر این اساس اولویت اشتغال نیز باید با مردان باشد. چرا که از لحاظ عقل و منطق به دور است که مسئولیتی را به فردی بسپاری و اما مقدمات و ملزومات آن را فراهم نکنیم. چگونه مردی که بی‌کار است به عنوان سرپرست خانواده، از عهده‌ی نفقه و بار سنگین هزینه‌های زندگی برمی‌آید؟

بنابراین وظیفه حکومت، دولت و مجلس در مقابله با معضل بی‌کاری این است که سازوکار و تصمیمات حمایتی لازم در این باره را اتخاذ و علاوه بر اشتغال‌زایی حقیقی، حداقل در امر گزینش و استخدام

جدید، برای مردان اولویت قائل باشند، مگر در پاره‌ای از مشاغل که حضور زن ارجحیت دارد، اولویت با زنان است.

فرهنگ سازی و مشخص نمودن ارزش واقعی کار در خانه برای زنان

در دین انور اسلام و احادیث وارده و رفتار و منش معصومین علیهم السلام، سراسر احادیث و روایاتی که ارزش کار زنان در خانه را همسان با جهاد در پیشگاه رسول الله می‌دانند. اگر در عمق روایات اسلامی تأمل کنیم ترجیح می‌دهیم با کمال میل برای انجام کارهای خانه اقدام کنیم و در مقابل از خداوند طلب مزد و پاداش و بخشش گناه کنیم.

«أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَالِحًا نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْ» هرگاه زنی برای مرتب کردن خانه چیزی را از جایی به جای دیگر ببرد خداوند به او نظر رحمت می‌کند.. (پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله) (ibn Babawayh, 1997).

جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است. (امام علی علیه السلام) (Ibn Shobah & Hasanzadeh, 2003).

هیچ زنی نیست که هنگام نان پختن عرق کند، مگر آنکه خداوند بین او و جهنم هفت خندق قرار دهد. (حضرت فاطمه سلام الله علیها) (Hurr Ameli, 2007).

هیچ زنی نیست که لباس ببافد (بدوزد)، مگر آن که خداوند برای هر نخ‌ی صد حسنه می‌نویسد و صد گناه محو می‌کند (حضرت فاطمه سلام الله علیها) (Hurr Ameli, 2007).

بررسی انگیزه‌های اشتغال زنان از موضوع این پژوهش خارج است لکن محققان و پژوهش‌گران باید این موضوع را مورد بررسی قرار دهند که باتوجه به چنین دینی که این همه امتیاز و ارزش برای کار در خانه قرار داده است، چرا آمار اشتغال زنان در خارج از خانه رو به افزایش است، و با ارائه راه کار از گسترش این اتفاق جلوگیری کنند.

بنابراین وظیفه تمامی نهادهای فرهنگی (مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه-های علمیه، مساجد و....) این است که با بالا بردن سطح آگاهی جامعه، جایگاه واقعی خانواده و هویت اجتماعی زنان را تبیین کنند و ارزش واقعی کار در خانه که هرگز کمتر از جهاد نیست را به بانوان گوشزد نمایند، تا این موضوع در خانواده‌ها نهادینه شود؛ به طوری که زنان با درک اجتماعی موقعیت خویش، به ارزش ذاتی و منزلتی خود پی ببرند تا با پیشنهاد هر شغل و هر قیمتی حاضر به کار نشوند.

کم کردن استقلال مالی زن به سبب اشتغال

درست است که نفقه خانواده بر عهده زن نیست؛ اما می‌توان با قرار دادن شرطی در ابتدای انتخاب شغل، این استقلال مالی را کم رنگ و با از بین رفتن قوامیت مرد در خانواده جلوگیری کرد.

همان گونه که مرد کار می‌کند و برای تمامی اهل خانه خرج می‌کند، و هیچ کس انتظار ندارد که بگوید فقط برای خود خرج می‌کنم، در ابتدای شغل‌هایی که ناگزیر باید با وجود زن همراه باشد، (چرا که شاید تبعات منفی و پیامد اجتماعی و فرهنگی عدم حضورش در آن شغل بیشتر باشد)، شرط شود که این درآمد با تصمیم‌گیری کلان مرد، در خانه و برای اهل خانه خرج خواهد شد؛ رعایت این نکته استقلال مالی زن به سبب اشتغال را در پی نخواهد داشت و علاوه بر آن زمانی که با تصمیم‌گیری کلان مرد هزینه می‌شود، نه تنها قوامیت مرد از بین نمی‌رود بلکه تقویت نیز خواهد شد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارائه راهکارهای قرآنی در کاهش پدیده طلاق با رویکرد آینده‌نگاری صورت گرفته است. از آنجا که در راستای شناسایی و تعیین پیشران‌های کلیدی موثر بر طلاق با رویکرد آینده‌پژوهی همچون دیگر رویکردها ابزارهای علمی و منطقی لازم است، در این پژوهش نرم‌افزار میک‌مک، برای انجام تحلیل بالا انتخاب شده است. براساس نتایج به دست آمده از تحلیل ساختاری در نرم‌افزار میک‌مک، چهار عامل ۱. استقلال مالی و اشتغال زنان، ۲. نارضایتی جنسی، ۳. ازدواج موقت، ۴. عدم گذشت، به مثابه‌ی پیشران‌های کلیدی و موثر در طلاق در آینده شناخته شد که عامل

اول یعنی استقلال مالی و اشتغال زنان نقش پررنگتری نسبت به سایر عوامل در آینده خواهد داشت. به عبارت دیگر، طلاق و اشتغال زنان رابطه مستقیمی با هم دارند و در خانواده‌هایی که زنان شاغل هستند، طلاق و جدایی بیشتر دیده می‌شود.

قرآن کریم در آیه‌ی ۳۴ سوره نساء، به جهت جلوگیری از هرج و مرج و تحکیم خانواده، مرد را قوام و سرپرست معرفی می‌کند که نفقه و رفع نیازهای مالی همسر، برعهده وی است. در صورتی که اشتغال زنان با این موضوع در تعارض است چرا که: ۱. استقلال مالی زنان یکی از دو دلیل قوامیت مرد را از بین می‌برد؛ و ۲. آستانه صبر در برابر مشکلات در زنانی که داری تمکن مالی هستند، بسیار پایین است و این امر، راه را برای زنانی که از وضعیت زناشویی ناراضی هستند، باز نموده و با اندک تنش به سراغ طلاق و جدایی می‌روند. ۳. استقلال مالی زنان از این جهت که مردان راحت‌تر از مسئولیت هزینه و نفقه فرزندان پس از جدایی، شانه خالی می‌کنند می‌تواند میل به جدایی در مردان را نیز تقویت می‌کند. ۴. هم‌چنین زمانی که مادر توانایی برطرف کردن بخشی از نیاز مالی فرزندان را دارد، جایگاه پدر در خانواده مخدوش می‌گردد.

این موضوع علاوه بر تعارض داشتن با قوامیت مرد در خانواده، با سایر عوامل مهم طلاق از جمله: ۱. نارضایتی جنسی، ۲. دخالت اطرافیان، ۳. بی‌کاری مردان، رابطه مستقیم دارد. راه کارهای پیشنهاد شده برای حل این موضوع، به این شرح است: ۱. اولویت دادن مردان در اشتغال، ۲. فرهنگ سازی و مشخص نمودن ارزش واقعی کار در خانه برای زنان، ۳. کم کردن استقلال مالی زن به سبب اشتغال. با رعایت این راه کارها و کنترل افزایش اشتغال و استقلال مالی زنان، که یک عامل مهم طلاق در آینده محسوب می‌شود، علاوه بر کنترل و کاهش آمار طلاق می‌توان راه حلی برای معضل بی‌کاری مردان، افزایش آمار ازدواج جوانان و به تبع آن مشکل رشد جمعیت و فرزندآوری، را به همراه داشته باشد.

موضوعی با این اهمیت که به تنهایی بر چند معضل مهم اثرگذاری دارد و هر کدام پیامدها و آسیب‌های اجتماعی جدی‌ای را در پی

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The institution of family has been extensively addressed in the Holy Qur'an, emphasizing its preservation and stability. However, contemporary societal shifts have led to a noticeable divergence from Qur'anic principles, contributing to a rise in divorce rates. In Iran, statistical reports indicate an alarming trend, with an approximate 2% annual increase in divorces. This issue poses severe social, cultural, and economic consequences, underscoring the necessity of preventive measures grounded in religious and sociological insights. To address this phenomenon, the present study adopts a foresight approach, aiming to explore Qur'anic strategies for mitigating divorce. Utilizing a documentary-survey-analytical method, the research identifies key drivers influencing future divorce trends, emphasizing the impact of "women's employment and financial independence" as the most influential factor, as demonstrated through variable dispersion analysis in the MICMAC software. The study argues that economic independence among women alters traditional family dynamics, challenging the principle of male guardianship (qawwamah) articulated in Verse 34 of Surah An-Nisa, which assigns financial responsibility to men. The implications of this shift necessitate a thorough examination of its effects on marital stability, particularly concerning power relations within the family and decision-making processes (Yaqoubi et al., 2011).

The growing participation of women in the workforce has introduced structural transformations in marital relationships, raising concerns regarding its correlation with increasing divorce rates. The Qur'anic notion of qawwamah,

دارد، پس لازم است یک اقدام جدی و گره‌گشا و دور از مباحث تبعیض جنسیتی مطرح شود، چرا که این روند رو به رشد اشتغال زنان، نه به نفع آینده کشور است و نه به نفع زنان جامعه که از تبعیض جنسیتی دم می‌زنند، بلکه اولین و مهم‌ترین نتیجه‌ی مثبت این بحث به نفع خود زنان و خانواده خواهد بود.

which establishes male financial responsibility as a foundational pillar of marital stability, is being redefined by economic shifts that grant women independent financial agency. Studies indicate that women who are economically self-sufficient exhibit lower levels of tolerance for marital disputes and are more likely to initiate divorce proceedings (Ahmadi Mo'oud, 2008). This phenomenon aligns with broader sociological findings highlighting the decline of traditional patriarchal structures and the emergence of more egalitarian family models. However, this shift also generates unintended consequences, such as role conflicts and increased marital dissatisfaction. The study further explores how financial autonomy affects negotiation dynamics between spouses, potentially diminishing the conciliatory role of economic dependence in conflict resolution. While financial independence is often celebrated as a means of empowerment, its implications for marital stability warrant a critical reassessment within the framework of Islamic jurisprudence and family ethics. By employing foresight methodology, the study anticipates future trends in family structures, emphasizing the need for policy interventions that align economic participation with Qur'anic principles of marital harmony (Zali & Mansouri Birjandi, 2015).

A structural analysis of divorce factors reveals that financial independence is not an isolated variable but interacts with other determinants such as changing gender roles, evolving cultural expectations, and legal reforms in family law. For instance, shifting gender norms have led to an increased emphasis on individual fulfillment over collective familial obligations, contributing to a rise in no-fault divorces (Hajjani, 2012). The study

identifies additional factors, including dissatisfaction with marital intimacy, the influence of extended family interventions, and changing societal attitudes toward divorce. The MICMAC software analysis categorizes these variables based on their degree of influence, demonstrating that women's employment stands as a primary driver affecting multiple secondary variables. This finding suggests that addressing the economic aspect alone may not suffice; rather, a holistic approach incorporating psychological, legal, and theological perspectives is necessary. The study also discusses how Islamic jurisprudence historically adapted to economic shifts while maintaining family stability, proposing a reinterpretation of *qawwamah* that balances financial autonomy with collective familial responsibility (Godet, 2006).

The research incorporates a comparative perspective, examining divorce trends in other Muslim-majority societies that have experienced similar economic transformations. Case studies from countries such as Malaysia and Turkey illustrate how legal reforms and state interventions have influenced marital stability. In Malaysia, policies that encourage financial literacy among married couples have been linked to lower divorce rates, suggesting that economic independence does not inherently lead to marital dissolution but rather depends on how financial responsibilities are negotiated within relationships (Rabbani, 2012). The study argues that Iran can benefit from such models by integrating financial counseling and Qur'anic marital guidance into pre-marital education programs. Additionally, legal adjustments, such as restructuring spousal support laws, could mitigate the disruptive effects of economic independence. The research also highlights the role of cultural discourse in shaping perceptions of financial autonomy, advocating for media representations that promote cooperative financial planning among couples rather than individualistic financial pursuits (Zali, 2009).

From a theological standpoint, the study engages with classical and contemporary Qur'anic exegeses

to analyze interpretations of Verse 34 of Surah An-Nisa. Traditional interpretations emphasize male authority in financial decision-making, whereas modern commentators explore more nuanced understandings of gender roles in evolving economic contexts. The study critiques the dichotomy between traditionalist and reformist readings, proposing an integrative approach that upholds Qur'anic values while accommodating contemporary economic realities (Makarem Shirazi, 1995). It further examines the impact of financial independence on parenting dynamics, noting that maternal economic autonomy can sometimes lead to shifts in parental authority, affecting children's perceptions of familial roles. By reassessing the theological foundations of *qawwamah*, the research advocates for policy recommendations that reinforce financial interdependence rather than absolute financial separation between spouses. The study also calls for increased engagement between religious scholars, economists, and social policymakers to develop frameworks that align Islamic teachings with contemporary socio-economic structures (Chizari, 2013).

In conclusion, the study underscores the critical need for policy responses that address the intricate relationship between financial independence and marital stability. While economic empowerment has contributed to greater personal autonomy, it has also introduced challenges that require careful mediation within the framework of Islamic ethics. The findings emphasize the importance of fostering financial interdependence rather than complete economic segregation between spouses. By integrating Qur'anic principles with contemporary socio-economic realities, policymakers and religious scholars can collaboratively devise strategies that preserve both marital stability and gender equity. The study ultimately advocates for pre-marital educational programs, legal reforms in spousal financial obligations, and cultural shifts that promote cooperative financial management as key measures to address the growing divorce trend.

References

- Ahmadi Mo'oud, M. (2008). Indicators of marriage and divorce and an analysis of their changes in the country with an emphasis on provincial statistics during 2002-2007. *Population Quarterly*, 64, 1-25.
- Chizari, Z. (2013). The position of women's employment in Islamic lifestyle. *Borhan Website*.
- Esfandiar, S. (2015). Women's employment in the family context and its relationship with divorce. *Hoorah Cultural and Social Bi-monthly Journal*, 18.
- Fadlullah, M. H. (1998). *Man wa-Hay al-Quran*. Beirut: Dar al-Malak for Printing and Publishing.
- Godet, M. (2006). *Creating Future Scenario Planning as a Strategic Management Tool*. France: Economica Publish.
- Hajiani, E. (2012). *Foundations, principles, and methods of future studies*. Tehran: Imam Sadiq University.
- Hosseini Tehrani, M. H., & Several, s. (1999). *Risalah Badi'ah*. Mashhad: Allameh Tabatabai.
- Hurr Ameli, M. B. H. (2007). *Wasail al-Shi'a*. Tehran: Ketabchi.
- ibn Babawayh, S. M. i. A. (1997). *Amali Sadouq*. Tehran: Ketabchi.
- Ibn Shobah, H. B. A., & Hasanzadeh, S. (2003). *Tuhaf al-Uqul*. Qom: Al Ali.
- Javadi Amoli, A. (1999). *Women in the Mirror of Glory and Beauty*. Qom: Israa Publishing Center.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir-e Namuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Modarresi, M. T., & Translation. (1998). *Man Hadi al-Quran*. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi.
- Qureshi, A. A. (1992). *Ahsan al-Hadith*. Tehran: Bonyad Ba'ath.
- Rabbani, T. (2012). *The application of future studies and strategic thinking in urban development planning* University of Tehran].
- Shafiei Dehaghani, N. (2013). *Women's employment and family consolidation: Barriers and solutions with a review of Islamic theories compared to some feminist movement theories* University of Isfahan].
- Tabatabai, M. H. (1984). *Al-Mizan*. Qom: Islamic Publishing.
- Yaqoubi, K., Sohrabi, F., & Mofidi, F. (2011). A comparative study of the level of aggression in children of divorced and non-divorced families. *Psychological studies*, 7(1), 97-109.
- Zali, N. (2009). *Future forecasting of regional development using scenario techniques* University of Tabriz].
- Zali, N. (2013). *Strategic foresight in regional planning and development*. Tehran: Strategic Studies Research Institute.
- Zali, N., & Mansouri Birjandi, S. (2015). Analysis of key factors affecting sustainable transportation development in the 1404 horizon of Tehran metropolitan area. *Spatial Planning and Development Journal*, 19(2).